

سخن مدیر مسوؤل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برخی از پژوهشگران، برای برخورد جامعه ما با غرب در دو سده اخیر، سه دوره قائل اند: دوره اول - غرب زدگی، دوره دوم - غرب ستیزی، دوره سوم - غرب شناسی، که اکنون ما، در دوره سوم به سر می بریم.

این تقسیم ادوار، دست کم برای شماری از فرهیختگان جامعه ما - و برخی از جوامع شرقی که به بلوغ فکری رسیده اند - صادق است. غرب را، از منظرهای مختلف باید شناخت و درست شناخت. هرگونه برخورد صحیح، موکول به این شناخت درست است.

* * *

ابتدا باید پذیرفت که غرب، به مدد سلطه رسانه ای خود - که ماورای سلطه حکومت ها و مناسبات اجتماعی سنتی است - پایه های قدرت خود، یعنی اعتبار و محبوبیت خود را در تمام - یا دست کم بیشتر - نقاط دنیا استوار ساخته است. پس از آن، مؤلفه های این سلطه جادویی را باید شناخت. برای این کار، به زمانی دراز و نگاهی ژرف نیاز است. در این مجال کوتاه، حتی بیان عناوین این مؤلفه ها امکان پذیر نیست. تنها در صدد بررسی کوتاه مؤلفه دین در پرتو نگرش جدید غربی هستیم، و برای رعایت اختصار، تنها به یک منبع معتبر استناد می شود.

* * *

در پرتو سلطه رسانه های غربی، جنبه های غیر دینی جهان بینی مردم این روزگار، از جنبه دینی آن تفکیک شده و بخش غیردینی، نه تنها در ذهن غربیان، بلکه - به تعبیر ویلیام وات، پژوهشگر مسیحی اسلام شناس - «به طور فراگیر در ذهن سایر جهانیان جای



گرفته است».^۱

ویلیام مونتگمری وات، در کتاب یاد شده - که به اصل آن به سال ۱۹۹۵ انتشار یافته - چند جلوه از این غلبه شگفت‌انگیز را نشان می‌دهد:

گزارش‌های دینی برگرفته از محدودیت‌های ذهن و زبان آدمی است.^۲

- دین الهی، مانند فرضیه‌های بشری باید در بوتۀ فرضیه - آزمون - خطا قرار گیرد و حقانیت آن، بدین‌گونه اثبات شود.^۳

- به عقیده او، «گزارش علمی از جهان کامل نیست» و از این رو، «ممکن است... قلمروهایی از واقعیت وجود داشته باشند که از دسترس روش‌های علمی موجود، خارج باشند». ^۴ ولی اصرار عجیب او بر تأویل معجزات الهی، دیدنی است.^۵

- وحی، نوعی تجربه است که برای پیامبر حاصل می‌شود و در پی آن به اعتقادی رهنمون می‌شود که براساس آن عمل می‌کند.^۶

- سخنان پیامبران، نوعی تصویر از حقیقت است که در آن، تنها الگوی کلی حقیقت دارد، هرچند ممکن است جزئیات را نیز جالب توجه بیابند.^۷

* * *

وات، براساس این دیدگاه‌ها نتیجه می‌گیرد که: «مهم‌تر از مقایسه نظری بین ادیان، سنجش آن‌ها به وسیله نتایج آن‌هاست، یعنی ملاحظه کیفیت زندگی فردی و اجتماعی پیروان آن‌ها».^۸

البته او معین نمی‌کند که این سنجش چگونه باید صورت گیرد. برچه مبنایی قطعی و یقینی می‌توان زندگی فردی یک فرد را با شخص دیگر یا زندگی جمعی یک جامعه را با جامعه دیگر، مقایسه کرد؟ شاید به دلیل همین ابهام است که خودش می‌گوید: «شاید روا باشد که گاهی خشنودی در این دنیا تحقق نیابد، بلکه تنها در سایه ابدیت تحقق پیدا کند».^۹ این جمله، بخشی از جواب خود او به همان کلام است، وگرنه



۱. حقیقت دینی در عصر ما: ۲۵
۲. همان، ص ۴۳ و ۴۷.
۳. همان، ص ۵۱ و ۶۸.
۴. همان، ص ۴۳، ۵۶، ۳۹.
۵. همان، ص ۶۸.
۶. همان، ص ۲۱، ۴۰، ۸۸ و ۸۹.
۷. همان، ص ۲۲.
۸. همان، ص ۳۵.
۹. همان، ص ۵۴.

بررسی و نقد این سخنان، به تفصیل در جای خود باید مطرح شود. در کنار این سخنان، وی به این حقیقت مسلم اعتراف می‌کند که با وجود این که دنیا مداری (سکولاریسم) از نفوذ دین در بسیاری از جوامع کاسته است، «در سراسر جهان، به نوعی عطش معنوی وجود دارد که ادیان باید بتوانند به آن پاسخ گویند».^۱

* * *

در نهایت، وی، فصلی تحت عنوان «مشکلات عملی فراروی ادیان» گشوده و به سلطه بلامنازع و آزادی بی حد و حصر دانش تجربی و فناوری در جهان اشاره می‌کند که سبب تضعیف مبانی دینی و اخلاقی شده است.^۲

آنگاه برای پاسخ‌گویی به این پدیده، سه کارکرد عملی از دین انتظار دارد:
- یافتن اصولی که بر مبنای آن یک نهاد مؤثر و بیطرف بین‌المللی تأسیس شود.^۳
- کنترل رشد مصرف‌گرایی - یعنی حرص و ولع - در جاهایی که رفاه وجود دارد.^۴

- رفع مشکلات حاصل از بیکاری که پی‌آمد گسترش فناوری‌هاست، با توجه به این نکته که بسیاری از راه‌های رایج و مشهور برای پرکردن اوقات فراغت، کیفیت زندگی انسان را بهتر نمی‌کند.^۵

* * *

«صحیفه سجادیه»، توان آن را دارد که این موارد عملی، بلکه موارد افزون بر آن را پاسخ گوید. امام سجاده علیه السلام در دعای هشتم، از چهل و چهار پدیده ناخوشایند و رفتار ناپسندیده به درگاه الهی پناه می‌برد، از جمله: هیجان حرص، غلبه حسد، ضعف صبر، کمبود قناعت، خوی حمیت (تعصب نابجا)، پیروی خواسته شخصی، اصرار بر گناه، بدرفتاری با افراد فرودست، ترک شکر نسبت به کسانی که به ما نیکی کرده‌اند، حمایت ستمگر، یاری نکردن ستم‌دیده، سخن گفتن در مورد علم بودن علم، عجب (دل‌خوش داشتن) به عمل، گسترش آرزوها، کم شمردن گناه، دست برداشتن از کفاف و...

حضرتش در دعای سی‌ام، در کنار دعا برای ادای دین و رهایی از هم و غم و اندیشه آن، از خدا می‌خواهد که او را به بذل و میانه‌روی در آن وادارد، برنامه‌ریزی نیکو در زندگی را به او بیاموزد، او را از اسراف و تبذیر بازدارد، و معاشرت با تهیدستان را محبوب او گرداند.

در صحیفه، با بنده برگزیده خدا روبرویم که خاضعانه از خدایش می‌خواهد همان‌گونه که نمی‌پسندد به این بنده ظلم شود، او را از ستم کردن بر مردم نیز بازدارد. (دعای چهاردهم). این گونه خطوط روشن، بخشی از چشم انداز مدینه فاضله الهی است که امام سجاد صلوات الله علیه ترسیم می‌کند.

* * *

امام سجاد علیه السلام در رساله حقوقیه نیز به بیان دیگر، همین چشم‌انداز را نشان می‌دهد، مانند: حق اعضای بدن (چشم، گوش، زبان، دست، پا، شکم و...)؛ حق کارها (نماز، روزه، حج، صدقه و...)؛ حق طبقات جامعه (معلم، دانش‌آموز، همسر، افراد تحت فرمان و...)؛ حق خویشاوندان (پدر، مادر، فرزند، برادر و...)؛ حق هم‌نشینان (دوست، همسایه، شریک، دوست، افراد طرف نزاع و خصمه، مشورت خواه، مشورت دهنده، خیرخواه، بزرگسال، خردسال، هم‌کیش، غیرهم‌کیش و...).

سیره عملی حضرتش، بهترین پشتوانه برای این گونه رعایت حقوق و دستیابی به ملکات فاضله انسانی است، که این مختصر را مجال پرداختن بدان نیست.

* * *

این شماره فصلنامه نیز - در ادامه سه شماره پیش - به صحیفه سجادیه می‌پردازد. با توجه به کثرت موضوعات پیش‌رو و درخواست خوانندگان فرهیخته برای پرداختن به آن‌ها، نمی‌خواستیم تا این حد در این موقف توقف کنیم. ولی برخورد به راه‌های ناپیموده و لطف پژوهشیان فاضل، ما را در ساحل اقبانوس موج‌زای این نامه نامی آسمانی بازداشت تا انگشتانه‌ای از آن را در کام جان ریزیم و برای تغییر درون خود، گامی برداریم. بدان امید که زمانی دیگر را به موضوع‌های دیگر بگذرانیم و در فرصتی

دیگر، از آتش طور این صحیفه الهی قبسی برگیریم.

آغاز سومین سال انتشار سفینه، فرصتی است تا دیگر بار، اهدافی را که در نخستین شماره گفتیم، مرور کنیم. کوشیده‌ایم تا از آن هدف‌ها، عدول نشود. با این همه، دوست داریم تا خود را در آینه داوری صاحب نظران دین‌باور، بیش از گذشته ببینیم و کاستی‌های خود را بدین‌گونه جبران کنیم. البته نیک می‌دانیم که پیمودن این راه، جز به توفیق الهی مقدور نیست. بدین‌روی، از ساحت مقدس حجّت حیّ خدا در این روزگار، حضرت بقیه الله ارواحنفاذ استمداد می‌کنیم که همچنان دست عنایت پدران‌اش را بر سر ما مستدام بدارد، و ما را از هرگونه کژی و انحراف در این راه بازدارد.